

بسمه تعالی

تحلیل روانشناختی نقش سبک های دلبستگی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

عادله کریمی ریابی

کارشناس ارشد مشاوره، قوچان

Adelekarimi.riabi@gmail.com

چکیده:

هدف از این پژوهش با عنوان تحلیل روانشناختی نقش سبک های دلبستگی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، بررسی تاثیر سبک های دلبستگی بر شکل گیری عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد. این پژوهش که با روش تحلیلی- کتابخانه ای و با استفاده از منابع موجود انجام گرفته است، نتایج خود را چنین بیان می کند که شکل گیری سبک دلبستگی ایمن می تواند منجر به ایجاد عزت نفس بالا و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و شکل گیری هر یک از سبک های دلبستگی نا ایمن (دوسوگرا، اجتنابی و آشفته) می تواند منجر به عدم عزت نفس و مانعی برای پیشرفت تحصیلی محسوب شود.

کلمات کلیدی: سبک های دلبستگی، عزت نفس، پیشرفت تحصیلی

مقدمه:

در حال حاضر به دلیل گسترش روند جهانی شدن و پیشرفت وسایل ارتباطی، افراد و به خصوص دانش آموزان با چالش های زیادی روبه رو هستند و باید فراز و نشیب های زندگی را با موفقیت پشت سر بگذارند. چالش هایی که گاهی از همان بدو ورود فرد به اجتماع، او را درگیر می کنند. داشتن عزت نفس بالا، عامل مهمی در سازگاری و عبور از چنین بحران هایی محسوب می گردد [1]. عزت نفس، همان رضایت شخص از خویش است و در واقع نظر هر فردی راجع به جسم و ابعاد روانی و هیجانی خودش عزت نفس نامیده می شود [2]. عزت نفس، برداشت و قضاوتی است که افراد از خود دارند و به احساس فرد نسبت به ارزشمندی و تایید او نسبت به خودش مربوط است [3]. براندن¹ بر اساس جنبه های انسان گرایانه، از عزت نفس به عنوان نیازی وجودی و مولفه برانگیزنده بنیادین رفتار انسان یاد می کند که به میزان مساوی، شامل ارزش مداری و شایستگی است [4]. به اعتقاد او، عزت نفس از دو بعد مربوط به هم تشکیل شده است و این دو بعد منجر به ایجاد اعتماد به نفس و حرمت خود می گردد که شامل احساس خودکارآمدی شخصی و ارزشمندی شخصی است [5]. از ابعاد عزت نفس همچنین می توان به بعد اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و عزت نفس عمومی اشاره کرد. عزت نفس اجتماعی، احساسی است که فرد در مورد خود به عنوان یک دوست برای دیگران دارد. در بعد تحصیلی نیز اگر فرد خود را با معیارهای مطلوب عزت نفس تحصیلی منطبق بداند و استانداردهای پیشرفت تحصیلی خود را برآورده سازد، دارای عزت نفس تحصیلی مثبت است. زمینه خانوادگی عزت نفس، احساسات فرد را درباره خود به عنوان عضوی از خانواده منعکس می کند و عزت نفس عمومی، ارزیابی عمومی تری از خود است که به ارزشیابی فرد از خود در تمام زمینه ها می پردازد [6]. همچنین یکی دیگر از مواردی که موجب ایجاد چالش هایی در زندگی دانش آموزان می شود، مباحث تحصیلی و پیشرفت تحصیلی می باشد.

در بیشتر جوامع آموزش و پرورش از جنبه های برجسته زندگی انسان بوده است و همیشه تلاش بر این بوده که این امر به صورت موثر انجام پذیرد. برای نمونه در آموزش و پرورش آموزشی، تلاش بر این بوده که دانش آموزان نسبت به موضوعات درسی، علاقه و انگیزه پیدا کنند تا کارکرد تحصیلی بهتری داشته باشند اما بی گمان همه دانش آموزان از انگیزه بالا برای آموختن برخوردار نیستند که این خود می تواند عاملی برای افت تحصیلی باشد [7]. امروزه صاحب نظران بر این باورند که یکی از دلایل مهم توسعه کشورهای پیشرفته، توجه و اهتمام آن کشورها به تربیت نیروهای خلاق و موثر است [8]. دانش آموزان، نیروی انسانی برگزیده و سازندگان فردای کشور هستند و موفقیت تحصیلی آنها از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. دانش آموزان به واسطه موفقیت در تحصیل می توانند به موقعیتی دست یابند که از حداکثر نیروی درونی و بیرونی خود برای دستیابی به اهداف آموزش عالی استفاده کنند و شرایط لازم برای زندگی اجتماعی موفق را کسب کنند. موفقیت دانش آموزان در مدرسه، هدف اصلی هر نظام آموزشی است. موفقیت در مدرسه، کسب تجربه های مناسب در کلیه ابعاد روانشناختی، عاطفی، اجتماعی، رفتاری و زیستی را شامل می شود [9]. کسب این تجربه ها در مدرسه می تواند بر زندگی حال و آینده کودکان و نوجوانان، تاثیر سرنوشت سازی داشته باشد [10]. بدون شک در دنیای امروزی، یکی از علائم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی است که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می دانند که به وسیله آزمون های استاندارد شده اندازه گیری می شود. باساتو و همکاران² (2000) پیشرفت تحصیلی را همان عملکرد تحصیلی می دانند که شامل نمرات امتحانی و عملکرد فرد در فعالیت های تحصیلی است. کوبال و میوسک³ (2001) پیشرفت تحصیلی را ادراک و ارزیابی فرد از خود در مورد عملکرد تحصیلی خویش تعریف کرده اند [11]. در واقع می توان گفت که پیشرفت تحصیلی به معنای رسیدن به موفقیت بر اساس آنچه که برایش برنامه ریزی شده است، می باشد [12].

¹ Branden

² Basato et al

³ Kobal and Meusek

به نظر می رسد از جمله عواملی که می تواند بر میزان عزت نفس دانش آموزان و نیز پیشرفت تحصیلی آنها موثر باشد، نوع سبک های دلبستگی آنهاست.

دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی است که با افراد خاصی در زندگی خود داریم که باعث می شود وقتی با آنها تعامل می کنیم، لذت ببریم و در مواقع استرس، از نزدیکی آنها احساس آرامش کنیم. در نیمه دوم سال اول، نوباوگان دلبسته افراد آشنایی می شوند که به نیازهای آنها پاسخ داده اند [13]. نظریه دلبستگی یکی از نظریه های مناسب برای شناخت روش های سازش یافته و سازش نیافته ای است که افراد از طریق آنها با چالش های زندگی مواجه می شوند [14]. همچنین بیانگر روابط اولیه والد- کودک است که می تواند تا بزرگسالی ادامه یابد و تبیین گر بسیاری از ویژگی های شخصیتی و بین فردی در افراد باشد [15]. در واقع سبک های دلبستگی از طریق مدل های فعال درونی بر نحوه اسناددهی افراد نسبت به فرآیند ارتباط اثر می گذارند و اسنادهای ارتباطی دارای پتانسیل واسطه گری بین سبک های دلبستگی و کیفیت رابطه هستند [16]. به اعتقاد فوگل⁴ (2009) دلبستگی به معنای پیوند (یا گره های) عاطفی پایدار بین دو فرد است به طوری که یکی از طرفین می کوشد مجاورت با دلبستگی را حفظ کند و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد. بنابراین دو عنصر اساسی دلبستگی، تقرب جویی کودک به چهره دلبستگی و احساس درماندگی در موقعیت جدایی می باشد [17]. بالبی⁵ نظریه دلبستگی را با توجه به تعامل مادر و کودک در فرآیند رشد ارائه کرد و به سوالاتی در مورد چگونگی شکل گیری دلبستگی، اهمیت این رابطه و ارزش تکاملی آن پاسخ داد. کنش متقابل و رابطه عاطفی بین مادر و نوزاد، به روابط اجتماعی کودک در آینده شکل می دهد و شیوه برخورد مادر با کودک در چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارت های اجتماعی وی تاثیر می گذارد [18]. براساس نظریه دلبستگی، افراد تجربه های اولیه خود با مراقبان را درونی سازی کرده و روان سازه های شناختی پایداری از روابط را شکل می دهند. این روان سازه ها، تصور فرد از خود به عنوان یک فرد شایسته مراقبت و دریافت حمایت از دیگران را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین این روان سازه های شناختی بر تعامل فرد با دیگران و تعبیر و تفسیر فرد از وقایع در طول زندگی تاثیر دارد [19].

پژوهشگران یک حالت دلبستگی ایمن و سه حالت نایمی را مشخص کرده اند:

الف) دلبستگی ایمن: این نوباوگان از والد خود به عنوان تکیه گاه امن استفاده می کنند. وقتی آنها جدا می شوند، ممکن است گریه کنند یا نکنند، اما اگر گریه کنند، علت آن این است که والد غایب است و او را به فرد غریبه ترجیح می دهند. وقتی والد برمی گردد، به طور فعال به دنبال تماس با او هستند و گریه آنها فوراً کاهش می یابد. ب) دلبستگی دوری جو: به نظر می رسد که این نوباوگان نسبت به والد، وقتی حضور دارد، بی اعتنا هستند. وقتی او آنها را ترک می کند، معمولاً ناراحت نمی شوند و به فرد غریبه خیلی شبیه به والد خود واکنش نشان می دهند. آنها هنگام پیوستن مجدد از والد خود استقبال نمی کنند یا این کار را به کندی انجام می دهند و وقتی والد آنها را بلند می کند، اغلب به او نمی چسبند. ج) دلبستگی مقاوم: این نوباوگان قبل از جدایی به دنبال نزدیکی به والد خود هستند و اغلب به کاوش نمی پردازند. وقتی او آنها را ترک می کند، معمولاً ناراحت می شوند و پس از برگشتن وی با عصبانیت به او می چسبند و رفتار خصمانه، گاهی کتک زدن و هل دادن، نشان می دهند. شماری از آنها وقتی بغل می شوند، به گریه ادامه می دهند و به راحتی نمی توان آنها را آرام کرد. د) دلبستگی آشفته/ سردرگم: این حالت بیشترین ناامنی را نشان می دهد. این بچه ها هنگام پیوستن مجدد والد به آنها، رفتارهای سردرگم و متضاد نشان می دهند. امکان دارد درحالی که والد آنها را بغل کرده است، روی برگردانند یا با هیجان سطحی و افسرده به او نزدیک شوند. اغلب آنها هیجان خود را به صورت جلوه صورت بهت زده انتقال می دهند. تعدادی از آنها بعد از اینکه آرام شده اند، گریه می کنند یا حالت های بدن عجیب و غریب و خشک نشان می دهند [20].

به گفته جان بالبی، رفتارهای متفاوت مادران، دلبستگی های متفاوتی را در کودکان ایجاد می کند:

⁴ Fogel

⁵ Edward John Mostyn Bowlby

الف) مادران ملایم، حامی و پاسخگو نتیجه: دل‌بستگی نوع ب

ب) مادران مضطرب و پرخاشگر نتیجه: دل‌بستگی نوع ث

ج) مادران بیش از حد خونسرد نتیجه: دل‌بستگی نوع آ

و اما رفتارهای ناشی از سبک‌های مختلف دل‌بستگی:

-دل‌بستگی نوع آ (دل‌بستگی نایمن اجتنابی): بی تفاوتی نسبت به اطرافیان

-دل‌بستگی نوع ب (دل‌بستگی ایمن): احساس نیاز به حمایت شدن و حمایت کردن

-دل‌بستگی نوع ث (دل‌بستگی نا ایمن دوسوگرا): وابستگی شدید و پرخاشگری [21].

دل‌بستگی ایمن اساس ایمنی را برای کودکان مهیا می‌سازد که با آن می‌توانند دنیایشان را کشف کنند و پاسخ‌های سازگارانه تری به محیط اطرافشان ارائه بدهند. این دل‌بستگی، کودک را قادر می‌سازد تا بر اساس تعامل سازنده با والدین، مهارت‌هایی مانند همکاری، همدلی، تنظیم هیجانات، خودپنداره قوی و اعتماد به نفس لازم را که نقش تسهیل‌کننده در روابط بین فردی دارند، در خود پرورش دهند. بنابراین سازگاری کودک برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های جدید تسهیل می‌شود. هنگامی که در روابط، احساس امنیت وجود داشته باشد، کودکان بهتر می‌توانند دست‌نیاز به سوی دیگران دراز کنند تا از آنها حمایت شود و با تعارض و استرس به گونه‌ای مثبت روبه‌رو شوند. این گونه روابط شادتر، پایدارتر و سازگارانه‌ترند. پژوهش‌های دل‌بستگی نشان داده است که احساس دل‌بستگی ایمن در سلامتی ذهنی، عزت نفس، ادراک مثبت نسبت به دیگران، شناخت و رفتارهای بین فردی و سازگاری افزایش می‌دهد. الگوی دل‌بستگی نایمن اجتنابی، به کودکانی اشاره دارد که نمی‌توانند از مراقب خود به عنوان منبع آرامش برای تنظیم عواطف منفی استفاده کنند. این کودکان گرایش به اجتناب و نادیده گرفتن مراقب خود دارند [22]. الگوی دل‌بستگی دوسوگرا شامل کودکانی می‌شود که به هنگام روبه‌رو شدن با شرایط اضطراب، از مراقب خود به صورت ناپایدار و دوسوگرا استفاده می‌کنند. اگرچه این کودکان گاهی به صورت افراطی به مراقب‌شان می‌چسبند، آنها همچنین رفتار پرخاشگرانه و عدم پذیرش را نسبت به مراقب خود نشان می‌دهند [23].

همان‌طور که بیان شد، نظریات متفاوتی در این زمینه وجود دارند. در باب نظریه‌های دل‌بستگی، بالبی چهار نوع دل‌بستگی را بیان کرد که باعث شکل‌گیری شخصیت‌های متفاوتی در کودکان می‌شود. این شخصیت‌های متفاوت به طور مستقیم تحت تأثیر شخصیت مادران یا مراقبان کودکان است. همان‌طور که دیده شد، مادران ملایم، حامی و پاسخگو، دل‌بستگی ایمن را در کودکان پرورش می‌دهند که باعث ایجاد همکاری و تعاون و افزایش عزت نفس کودک در آینده خواهد شد. مادران بیش از حد خونسرد، پر توقع و عیب‌جو، باعث ایجاد دل‌بستگی دوری‌جو می‌شود که باعث می‌شود افراد در روابط آینده خود، به روابط و محبت دیگران مشکوک باشند و نتوانند به راحتی اعتماد کنند و در آخر دل‌بستگی آشفته را داریم که بیشترین ناامنی را دارد، از مادران مضطرب و پرخاشگر نشأت می‌گیرد و موجب ایجاد شخصیت پرخاشگر می‌شود. شکل‌گیری هر یک از این سبک‌های دل‌بستگی می‌تواند به صورت مستقیم در آینده فرد تأثیرگذار باشد. ما در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش هستیم که آیا سبک‌های دل‌بستگی متفاوت می‌تواند در ایجاد عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موثر باشد یا خیر؟

در این زمینه پژوهش‌های چندی صورت گرفته است:

سیاه منصوری و یولداسف⁶ (1400) [24] در مقاله ای با عنوان پیش بینی سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر اساس سبک های دلبستگی به والدین، چنین بیان کردند که پیوندهای عاطفی نخستین بین مادر و کودک، نقش بنیادینی در شکل گیری اعتماد اجتماعی و تداوم روابط عاطفی در دوران بعدی رشد دارد.

عسگریان و رضایی خیرآبادی (1400) [25] در پژوهشی با عنوان پیش بینی شرم درونی شده نوجوانان بر اساس اضطراب اجتماعی، رابطه با والدین، عزت نفس و خودکارآمدی، چنین بیان کردند که نتایج این پژوهش به شناسایی عوامل موثر بر شرم درونی شده کمک کرده و لزوم توجه بیشتر والدین و مسئولان را به این عوامل جهت کاهش رنج نوجوانان نشان می دهد.

نصیری و نوری (1400) [26] در مقاله ای با عنوان بررسی نقش واسطه ای نشخوار خشم در ارتباط بین عزت نفس و پرخاشگری: کنترل نقش خودشیفتگی، چنین بیان کردند که در صورتی که نقش خودشیفتگی مورد کنترل قرار بگیرد، عزت نفس می تواند پرخاشگری را کاهش دهد.

کریمی (1396) [22] در پژوهشی با عنوان مقایسه سبک های دلبستگی و سبک های هویت در نوجوانان با اختلال سلوک و عادی، بیان می کند که بین سبک دلبستگی و سبک های هویتی در نوجوانان با اختلال سلوک و عادی تفاوت وجود دارد.

موسوی (1396) [27] در پژوهشی با عنوان نقش واسطه گری سبک های دلبستگی در بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی، بیان می کند که از ابعاد سبک های فرزندپروری بعد اقتدار منطقی به صورت مثبت و معنادار و بعد استبدادی به صورت منفی و معنادار قادر به پیش بینی رشد اجتماعی می باشد.

همچنین کلی، براونل و کمپل⁷ (2000) [28] در مطالعات کودکان نوپا و هان و کیم⁸ (2012) [29] در مطالعات کودکان بزرگتر نیز نشان دادند که والدین منفی و طردکننده که بازخورد مثبت کمی به کودکان می دهند، آنها را در معرض خطر بیشتری برای اظهار شرم قرار می دهند.

همانطور که در عناوین مطرح شده بیان کردیم، پژوهش هایی که تا کنون صورت گرفته همگی شامل یک یا دو متغیر از پژوهش حاضر می باشند و هیچ یک از پژوهش ها، هر سه متغیر سبک های دلبستگی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی را همزمان مورد مطالعه قرار نداده است. به همین دلیل انجام این پژوهش از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است.

هدف پژوهش:

بررسی نقش سبک های دلبستگی بر ایجاد عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان

روش پژوهش:

این پژوهش به روش تحلیلی-کتابخانه ای و با تکیه بر منابع و اسناد پیشین صورت گرفته است.

⁶ Yoldashev

⁷ Kelley, Brownell and Campbell

⁸ Han and Kim

بحث و نتیجه گیری:

همان گونه که عنوان شد عزت نفس به معنای رضایت فرد از جسم و روان خویش است و عدم وجود آن می تواند اثرات زیانبار فردی و اجتماعی را به همراه داشته باشد و دارای جنبه های مختلف اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی و عمومی می باشد. از طرفی در بعد تحصیلی نیز اگر فرد خود را با معیارهای مطلوب عزت نفس تحصیلی منطبق بداند و استانداردهای پیشرفت تحصیلی خود را برآورده سازد، دارای عزت نفس تحصیلی مثبت است. نیروی انسانی به دلیل اهمیت زیادی که در ساختار و بقای جوامع دارد، همواره مورد توجه سازمان های منشا قدرت بوده و سرمایه گذاری بر آنها به عنوان یکی از مهمترین مسائل هر جامعه محسوب می شود. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عنوان نیروهای انسانی آینده ساز کشور، مبحث پر اهمیتی است که همواره با چالش های فراوانی نیز همراه بوده است. به نظر می رسد یکی از متغیرهای مهم و موثر بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نوع سبک دلبستگی آنها در کودکی باشد. شکل گیری نوع خاصی از سبک های دلبستگی در افراد، شرایط را برای ایجاد نوعی از شخصیت و نحوه تعامل اجتماعی را در آینده فراهم می آورد. همانطور که عنوان شد، سبک های مختلف دلبستگی (ایمن، دوری جو، مقاوم و آشفته) هر یک می تواند به تنهایی اخلاق، رفتار و نحوه تعامل اجتماعی متفاوتی را برای افراد به ارمغان بیاورد. کسانی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، کسانی هستند که در کودکی همه نیازهای آنها به موقع برطرف شده و حس اعتماد به والد (و بعد از آن افراد دیگر) در آنها شکل گرفته است. به گفته کریمی (1396) چنین افرادی بهتر می توانند با دیگران به تعامل بپردازند و دارای اعتماد به نفس و خودپنداره قوی تری هستند. آنها بهتر می توانند با موقعیت های حساس و جدید خود را سازگار کنند و نیز بهتر می توانند استرس خود را کنترل کنند که اینها خود زمینه ساز پیشرفت تحصیلی روزافزون می باشد. از طرف دیگر کسانی که دارای سبک های دلبستگی نا ایمن (دوسوگرا، اجتنابی و آشفته) هستند، کسانی هستند که در کودکی آن طور که باید مورد نوازش و محبت قرار نگرفته اند و نیازهایشان به خوبی برطرف نشده است. به همین دلیل، عدم اعتماد به دیگران در آنها رخنه کرده و مانع از تعامل بهنجار و سازنده آنها می شود. چنین کسانی اکثرا از عدم عزت نفس رنج می برند و به گفته بشارت و همکاران (1392) دچار روحیه پرخاشگری می شوند و در شرایط بحرانی و اضطراب نمی توانند هیجانات خود را به خوبی کنترل کنند. از طرفی یکی از دلایلی که گاهی مانع از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان خواهد شد، عدم کنترل هیجانات به خصوص در جلسات امتحان می باشد. بارها شنیده شده که دانش آموزان به دلیل عدم کنترل استرس و هیجانات خود، نتوانسته اند امتحانات مدرسه یا حتی کنکور سراسری را به نحو مطلوب پشت سر بگذارند. بنابراین نوع سبک دلبستگی می تواند تاثیر بسیاری بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته باشد. یافته های این پژوهش با پژوهش های سیاه منصوری و یولداشف (1400) و موسوی (1396) همسو می باشد.

منابع:

- [1] یاسر عزیز سعید، رسول کردنوقایی، نصراله عرفانی، مهران فرهادی، 1399. پیش بینی عزت نفس بر اساس سرمایه های رشدی درونی و بیرونی در دختران دانش آموز، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، 12، 1.
- [2] مانده هاشمیان، کوروش نامداری، احمد عابدی، 1401. تاثیر امید درمانی بر ابعاد کیفیت زندگی و عزت نفس دختران افسرده نوجوان، فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره، انجمن مشاوره ایران، 21، 81.
- [7] فرشته نیک سیرت، ملوک خادمی اشکذری، 1400. مقایسه انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر مقاطع مختلف شهر تهران، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، 17، 2.
- [8] داود فتحی، مونا جمال آبادی، 1396. بررسی نقش واسطه گری تاب آوری رابطه خودتنظیمی تحصیلی و سرزندگی تحصیلی در دانشجویان، مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، 10، 4.

- [9] مژگان پوردل، جعفر ثمری صفا، 1400. اثربخشی آموزش درمان راه حل محور به شیوه آنلاین بر هیجان های تحصیلی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی پایین، مجله رویش روانشناسی، 10، 8.
- [10] علاء الدین اعتماد اهری، مریم تختی پور، 1394. بررسی رابطه میزان خودنظم دهی و خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان های دخترانه (دوره دوم) منطقه 2 تهران، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، 7، 1.
- [11] سعید محمدی مولود، رحیم بدری گرگری، 1400. فراتحلیل روابط مولفه های روانشناسی مثبت نگر و پیشرفت تحصیلی، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، 13، 2.
- [13] محمدرضا حسینی، طیبه اسماعیلی، 1400. تحلیل اثرات کووید-19 بر زندگی زناشویی با تاکید بر سبک های دلبستگی و مقوله تاب آوری، اولین همایش ملی مسائل و چالش های اجتماعی و فرهنگی خانواده مسلمان ایرانی.
- [17] میثم سعدی، 1395. پیش بینی سلامت روان دانشجویان از طریق سبک های دلبستگی و سازگاری فردی- اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- [19] طیبه اسماعیلی، 1400. تحلیل روانشناختی اثرات انواع سبک های دلبستگی بر رشد زبان، اولین همایش ملی علمی دانشجویی روانشناسی.
- [20] لورا برک، 1396. روانشناسی رشد، یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، جلد اول، ویراست ششم.
- [21] محبوبه البرزی، فریبا خوش بخت، حمیدرضا گلزار، مصطفی صبری، 1394. رابطه بین سبک های دلبستگی و تاب آوری: نقش واسطه ای هوش هیجانی، مجله روانشناسی تحولی (روانشناسی ایرانی)، 11، 11، (44)، 436-425.
- [22] معصومه کریمی، 1396. مقایسه سبک های دلبستگی و سبک های هویت در نوجوانان با اختلال سلوک و عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود.
- [23] محمدعلی بشارت، حاصل کورش محمدی، محمدرضا نیک فرجام، عباس ذبیح زاده، محمدحسین فلاح، 1392. مقایسه سبک های دلبستگی در بیماران مبتلا به افسردگی، اختلال های اضطرابی و افراد عادی، مجله روانشناسی تحولی (روانشناسی ایرانی)، 9، (32)، 227-236.
- [24] علی سیاه منصوری، عمر یولداشف، 1400. پیش بینی سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر اساس سبک های دلبستگی به والدین، فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره، انجمن مشاوره ایران، 20، 80.
- [25] زهرا عسگریان، مهری رضایی خیرآبادی، 1400. پیش بینی شرم درونی شده نوجوانان بر اساس اضطراب اجتماعی، رابطه با والدین، عزت نفس و خودکارآمدی، مجله رویش روانشناسی، 10، 2.
- [26] بیژن نصیری، ربابه نوری، 1400. بررسی نقش واسطه ای نشخوار خشم در ارتباط بین عزت نفس و پرخاشگری: کنترل نقش خودشیفتگی، مجله رویش روانشناسی، 10، 9.
- [27] فاطمه موسوی، 1396. نقش واسطه گری سبک های دلبستگی در بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- [3] Blascovich, J, & Tomaka, J, 1991. Measures of self-esteem. Measures of personality and social psychological attitudes. 1, 115-160.
- [4] Hoban, sh, & Hoban, G, 2004. Self-efficacy and self-directed learning: Attempting to undo the confusion International Journal of directed learning. 1 (2), 7-25.
- [5] Lewis, M, 2003. The role of the self in shame. Social research: An International Quarterly. 70 (4). 1181-1204.
- [6] Coopersmith, S, 1967. The antecedents of self-esteem. Consulting psychologists Pr. San Francisco W.H. Freeman and Company.
- [12] Arnold, L, E, Hodgkins, P, Kahle, J, Madhoo, M, & Kewley, G, 2020. Long-Term outcomes on ADHD: Academic achievement and performance. Journal of attention disorder. 24 (1), 73-85.
- [14] Meyer.B.Pilkonis. P. A. Proietti. J. M. Heape. C. L. and Egan. M. 2001. Attachment styles and personality disorders as predictors of symptom course. Journal of personality disorders. 15(5). 371-389.
- [15] Doinita. N. E and Maria. N. D, 2015. Attachment and parenting styles. Procedia- social and behavioral sciences. 203. 199-204.

- [16] Weisskirch, R & Delevi, R, 2013. Attachment style and conflict resolution skills technology use in relationship dissolution. Computers in human behavior: 29. 2530-2534.
- [18] Sadock, B. J. Sadock, V. A. Ruiz, P. 2009. Relational problems in comprehensive textbook of psychiatry. (9.Ed) Philadelphia: Lippincott Williams and Wilkins.
- [28] Kelley, S, A, Brownell, C, A, & Campbell, S, B, 2000. Mastery motivation and self-evaluative affect in toddlers: Longitudinal relations with maternal behavior. Child development. 71 (4), 1061-1071.
- [29] Han, S, Y, & Kim, Y, H, 2012. Interpersonal rejection experiences and shame as predictors of susceptibility to peer pressure among Korean children. Social Behavior and Personality: An International Journal. 40 (7), 1213-1231.